

سخن هفته

۱۵ پایگاه‌های بسیج... رافموش نکنند و طوری با آنها رفتار کنند که ثبات قدم پیدا کنند.

رهبر انقلاب از ائمه‌ی جموعه نیز خواستند که «روحیه و موضع گیری انقلابی» داشته باشند چرا که گشور با روحیه‌ی انقلابی پیشرفت می‌کند و کم گذشت از آن به ضرر کشور است.

مطلوبی دیگر رهبر انقلاب از ائمه‌ی جموعه، «یادآوری واقعیات امید بخش» و بیان «نقاط مشتبه» بود، آن هم در شرایطی که دشمن بدبیل تلقین ادعای واهی ناکارآمدی نظام است. در همین راست، آغاز آنها خواستند که صرافه نقدستگاه‌های دولتی بسته نشوند، چرا که این موضوع، هم باعث فاصله می‌شود و هم مردم را در چارشوشی کناره گرفت و از کشور خارج شد.
۸۸/۲/۲۲

۳- مسائل روز

محور آخر بیانات رهبر انقلاب هم درباره مسائل روز و جاری کشور و عظمت و اقتدار ملت ایران بود: «خوبیختانه ملت و نظام، عظمت و اقتدار و ثبات خود را به دنیا نشان داده‌اند و به دشمن تحمل کرداند». منشاء این اقتدار و عظمت از منظر رهبر انقلاب بیشتر بـ«دست باری پروردگار» در طول این چهل سال بوده است. اقدار باری چرا که دشمنی و گستاخی غیری هانیز به موضوع تفکر «خوبیزگی» خودشان با نظام اسلامی را داند شان می‌دهند؛ از آنها شاره کرده و فرمودن: «خوبیزگی بینی موجبی شود غریبی ها توانند حقایق را درک نکنند، البته این تکرار در مقابل ملت‌ها و کشورهای ضعیف برای آنان موقوفیت به همراهی اورده، اما در مقابل ملت‌هایی که نمی‌هارسند و از حق خود دفاع می‌کنند، غریبی ها در چارشکست می‌کند».

۸. اشغال نظامی ایران، و به سلطنت رساندن محمرضا

همان رضاخانی که بخصوص در نیمه‌ی دوم سلطنتش آن‌جور با مردم خود با خشونت رفتار کرده بود - که مردم جرئت نفس کشیدن نداشتند، توی خانه‌های خودشان پدر به فرزندو فرزندبه پدر اعتماد نمودند - در مقابل یک پیغام ساده‌ی انگلیسی‌ها که گفتند «باید از سلطنت کناره بگیری»، مثل موش مرده‌ای سلطنت کناره گرفت و از کشور خارج شد.
۸۸/۲/۲۲

۱۰. حمایت از فتحه‌گران در قضاای فتنه

اگر حادث بعد از اخبار از خودشان ریاست جمهوری سال [۸۸] دیپلمات‌های برجسته‌ی چند کشور غربی که تا حالا با اتفاقات دیپلماتیک با ماحفظ می‌زند، نقاب از چهاره برداشته‌اند؛ دشمنی‌های خودشان را با نظام اسلامی را داند شان می‌دهند؛ از همه‌ی خوبیزتر و تولت انگلیسی.
۸۸/۳/۲۹

۱۲. برنامه‌ریزی تحریم‌های جدید در دوره بعد از برجام

[انگلیسی‌ها] از حال نشسته‌اند، دارند برای دوران بعد از پایان برجام فکر می‌کنند که بعد از آن چه محدودیت‌هایی را بر ایران تحمل کنند. اینها کنند که مساوا از پایان، آن وقت چه کار را می‌کنند که مساوا از پایان، آن وقت چه کار کنیم، چه بگوییم، ایران می‌شود ایرانستان» محدودیت ایجاد کنیم، دیگر دشمن از این بدتر؟ از این خوبیزتر؟
۹۵/۱۰/۱۹

۱۴. توقيف نفتکش حامل نفت ایران توسط نیروی دریایی انگلیس

آنها که خیانت‌شان برای همه‌ی آشکار است کشتی را باز از بگانگان گرفتند: «به براک این دل ملت و مسئولان از بگانگان در حال جوشیدن است و این حرکت تحسین برانگیز ختماً به موقوفیت‌های بیشتری منجر خواهد شد».

۷. کودتای انگلیسی سوم اسفند توسط رضاخان

انگلیسی‌های رضاخان را به عنوان یک عامل دست‌نشانده بر سر کار آورند تا کار مورد نظر آن‌ها را نجات دهد... همین چند روز پیش در سنندج از همین قبیل می‌خوادم که در جلسه‌ای که سید ضیاء و رضاخان و مأموران انگلیسی بودند، رضاخان گفته بود که من سیاست سرم نمی‌شود وارد نیستم؛ هرچه شما دستور بدیده؛ من گوش به فرمایم!
۸۰/۵/۱۱

۹. کودتای انگلیسی - آمریکایی علیه مصدق

وقتی نهضت مصدق در این کشور پیش آمد - که یک نهضت ملی بود - جایی که بیشترین احساس خطر را کرد، دستگاه حکومت و سلطنت نیوی: انگلیسی‌ها بیشترین احساس خطر را کردند. بعد هم که انگلیسی‌ها بین‌داز از عهدی کار بر نمی‌آید، آمریکایی‌ها او را کار کردند. آنها به یک معنا آمدند صحنه‌ی راز دست انجیلیسی‌ها بودند و حاکم شدند.
۸۴/۱۰/۳۰

۱۱. ورود به خلیج فارس و برنامه‌ریزی برای تجزیه ایران

انگلیس‌ها مجداً به خلیج فارس آمدند؛ البته ما از یکی دو سال قبل خبر داشتیم؛ شنیده بودیم که اینها بنا بر داده‌های خودشان می‌دانند: دشمنی‌های محافل انگلیسی می‌شنیشنده‌ی برای منطقه و ایران اسلامی تصمیم‌گیری می‌کنند؛ یکی از تصمیمهای شان تجزیه کشورهای منطقه است. این جیزی که عرض می‌کنم، تحلیل نیست، حدس نیست؛ اینها اطلاعات است... از افکار عمومی ایران بشدت می‌ترسند و آن‌ها مخفی را که محقق رضا قبل از زدن گفت که «اگر مبوبیم، ایران می‌شود ایرانستان» منظورش این بود که مثلاً افغانستان، مثل ترکمنستان، مانند اینها، اینجا هم یک قسمتی به نام ایرانستان می‌ماند، بقیه‌ی هم تقسیم می‌شود بنی دولت‌های مختلف.
۹۵/۱۰/۱۹

۱۳. تبلیغ کاهش رشد جمعیت در ایران

آخرًا دستگاه تبلیغاتی دولت انگلیس خوبیز تجویث نسخه‌ی هم کرده که ایران برای سی میلیون جمعیت، خیلی کشور خوبی خواهد بود! چشم‌تان چهار تا! اشاعله این جمعیت به ۱۵۰ میلیون هم خواهد رسید.
۹۷/۳/۲

رهبر انقلاب با اشاره به خباثت جدید دولت انگلیسی علیه ایران، صراحتاً اعلام کردند:

بی جواب نمی‌گذاریم

با پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایلیس و آمریکا در ایران قطع شد. در این پیروزی کشورهایی بودند که مملکت مانع گستردگی نامشروع و غیرعادله داشتند. البته مارابطه‌مان را باید حفظ کرد و هنوز هم بالانگلیس را باید دیپلماتیک نیز ۱۳/۱۴ می‌دانستند. اینگار «انگلیسی‌ها نمی‌توانند ایران را دشمنی خودداری کنند و هر چند گذگاه بکار رانیستی می‌زند».
آنها برای نفتکش ایرانی بوده است. این اقدام که طبق تحلیل کارشناسان، دقیقاً در همان‌گی با ایالات متحده و در راستای اهداف این کشور باشد. همچنان‌چهارمین در میان این اهداف، این موضع که این اقدام آن‌ها باید باسخ نخواهد ماند، صراحتاً فرمودند: «آنها که خباثت شان برای همه‌ی آشکار است کشته ماراباز هنوز در این مدت از آن شکنند. آن شکنند گذاری خواهد داد. نشانی خط حزب الله به همین مناسب عناصر مؤمن در جهان را در این مدت از خود نمودند... اگر مرتباً باشند، دشمن می‌تواند نفوذ کند... اما این طرف هم یک آدم غافل، آدم خوب آلوهه از مرز عبور می‌کند می‌رود آنچا گیر می‌افتد. مرز اعتقادی و مرز سیاسی هم عیناً همین جور است؛ وقتی که مرز روش نبود، دشمن می‌تواند نفوذ کند... اگر مرتباً باشند، دشمن می‌تواند نفوذ کند... اما این طرف هم یک آدم غافل، آدم خوب آلوهه از مرز عبور می‌کند می‌رود آنچا گیر می‌افتد. آسیانی نخواهد بود. ۹۷/۱۲/۲۳

نگذاریم مرزمان با دشمن کم و نگ ک بشود

یکی از کارهای بسیار لازم همین است که ما نگذاریم مرزمان با دشمن کمرنگ بشود... درست مثل مرزهای گرفایی‌ای. اگر مرز گرفایی‌ای نباشد و برجسته نباشد، خب از آن طرف یک نفری بلند می‌شود می‌اید اینجا نفوذ پیدا می‌کند؛ آدم قاچاقچی، آدم دزد، آدم جاسوس از آن طرف می‌آید این طرف؛ از این طرف هم یک آدم غافل، آدم خوب آلوهه از مرز عبور می‌کند می‌رود آنچا گیر می‌افتد. مرز اعتقادی و مرز سیاسی هم عیناً همین جور است؛ وقتی که مرز روش نبود، دشمن می‌تواند نفوذ کند... اگر مرتباً باشند، دشمن می‌تواند نفوذ کند... اما این طرف هم یک آدم غافل، آدم خوب آلوهه از مرز عبور می‌کند می‌رود آنچا گیر می‌افتد. آسیانی نخواهد بود. ۹۷/۱۲/۲۳

آیا قوه قضائيه نسبت به ده سال قبل بهتر شده است یا بدتر؟

قوه‌ی قضائیه‌ی الان بدتر از ده سال قبل نیست؛ در جهاتی قطعاً هم بهتر است. البته عیبهای زیادی هم دارد که شما خبر ندارید، ولی بنده خبر دارم، حرف زدن و از دور درباره مسائل قضاویت کردن، آسان است؛ ولی وارد میدان شدن و کمر پستن مشکل است. انسان در خیال خودش دنیا را خیلی آبد می‌کند، مدنیه‌ی فاضله درست می‌کند؛ اما وقتی کار را به دست گرفت و دید که چقدر مشکل است، آن وقت وضع فرق می‌کند! نفوس انسانی مثل ایزارهای برقی نیستند که جناب عالی یک تکمه را بزنید، ناگهان مشلاده دستگاه بنا کنند کار کردن دارد که این اراده ای دارد. جناب عالی مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله مراتب این فرد مسؤول تا آن پایین، شاید ده واسطه است: سیاستگذار هست، وزیر هست، رئیس اداره هست، تا می‌رسد به آن کسی که می‌خواهد باین پرونده عمل کند. هر کدام از اینها یک اراده دارد. هر اراده ای هم توانست، میرکنند، کنار گذارند. ناگهان مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله مراتب این فرد مسؤول تا آن پایین، شاید ده واسطه است: سیاستگذار هست، وزیر هست، رئیس اداره هست، تا می‌رسد به آن کسی که می‌خواهد باین پرونده عمل کند. هر کدام از اینها یک اراده دارد. هر اراده ای هم توانست، میرکنند، کنار گذارند. ناگهان مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله مراتب این فرد مسؤول تا آن پایین، شاید ده واسطه است: سیاستگذار هست، وزیر هست، رئیس اداره هست، تا می‌رسد به آن کسی که می‌خواهد باین پرونده عمل کند. هر کدام از اینها یک اراده دارد. هر اراده ای هم توانست، میرکنند، کنار گذارند. ناگهان مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله مراتب این فرد مسؤول تا آن پایین، شاید ده واسطه است: سیاستگذار هست، وزیر هست، رئیس اداره هست، تا می‌رسد به آن کسی که می‌خواهد باین پرونده عمل کند. هر کدام از اینها یک اراده دارد. هر اراده ای هم توانست، میرکنند، کنار گذارند. ناگهان مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله مراتب این فرد مسؤول تا آن پایین، شاید ده واسطه است: سیاستگذار هست، وزیر هست، رئیس اداره هست، تا می‌رسد به آن کسی که می‌خواهد باین پرونده عمل کند. هر کدام از اینها یک اراده دارد. هر اراده ای هم توانست، میرکنند، کنار گذارند. ناگهان مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله مراتب این فرد مسؤول تا آن پایین، شاید ده واسطه است: سیاستگذار هست، وزیر هست، رئیس اداره هست، تا می‌رسد به آن کسی که می‌خواهد باین پرونده عمل کند. هر کدام از اینها یک اراده دارد. هر اراده ای هم توانست، میرکنند، کنار گذارند. ناگهان مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله مراتب این فرد مسؤول تا آن پایین، شاید ده واسطه است: سیاستگذار هست، وزیر هست، رئیس اداره هست، تا می‌رسد به آن کسی که می‌خواهد باین پرونده عمل کند. هر کدام از اینها یک اراده دارد. هر اراده ای هم توانست، میرکنند، کنار گذارند. ناگهان مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله مراتب این فرد مسؤول تا آن پایین، شاید ده واسطه است: سیاستگذار هست، وزیر هست، رئیس اداره هست، تا می‌رسد به آن کسی که می‌خواهد باین پرونده عمل کند. هر کدام از اینها یک اراده دارد. هر اراده ای هم توانست، میرکنند، کنار گذارند. ناگهان مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله مراتب این فرد مسؤول تا آن پایین، شاید ده واسطه است: سیاستگذار هست، وزیر هست، رئیس اداره هست، تا می‌رسد به آن کسی که می‌خواهد باین پرونده عمل کند. هر کدام از اینها یک اراده دارد. هر اراده ای هم توانست، میرکنند، کنار گذارند. ناگهان مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله مراتب این فرد مسؤول تا آن پایین، شاید ده واسطه است: سیاستگذار هست، وزیر هست، رئیس اداره هست، تا می‌رسد به آن کسی که می‌خواهد باین پرونده عمل کند. هر کدام از اینها یک اراده دارد. هر اراده ای هم توانست، میرکنند، کنار گذارند. ناگهان مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله مراتب این فرد مسؤول تا آن پایین، شاید ده واسطه است: سیاستگذار هست، وزیر هست، رئیس اداره هست، تا می‌رسد به آن کسی که می‌خواهد باین پرونده عمل کند. هر کدام از اینها یک اراده دارد. هر اراده ای هم توانست، میرکنند، کنار گذارند. ناگهان مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله مراتب این فرد مسؤول تا آن پایین، شاید ده واسطه است: سیاستگذار هست، وزیر هست، رئیس اداره هست، تا می‌رسد به آن کسی که می‌خواهد باین پرونده عمل کند. هر کدام از اینها یک اراده دارد. هر اراده ای هم توانست، میرکنند، کنار گذارند. ناگهان مثلاً به وزیر اقتصاد، یا رئیس کل بانک مرکزی، یا فلاں دستگاه دیگر اشاره کردید. می‌دانید وقتی که کار انجام می‌گیرد، با توجه به سلسله م